



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خداوند (وجود، صفات و افعال)
۲. اخلاق؛ مکارم اخلاق؛ بخشندگی و رسیدگی به نیازمندان

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: شاهد

تاریخ: ۱۳۹۸/۱/۲۲

در اواخر سال گذشته و اوایل امسال، مصیبتی گریبان گیر هموطنان این جانب در ایران شده که تمام زندگی شان و دارایی شان را سیل خراب و ویران کرده و از ترس جانشان اکثریت به کوهها پناه برده اند و غذایی برای خوردن و سقفی برای زندگی ندارند. حال در این موقع وظیفه‌ی دیگر مسلمانان نسبت به این بیچارگان چیست؟! و نظر حضرت علامه در مورد شدت گرفتن و سریع اتفاق افتادن این وقایع فجیع و خانمان سوز در ایران چیست؟!



www.alkhorasani.com

بَیِّنَاتُ الْإِسْلَامِ مِنْ صُورَاتِهَا شَيْءٌ خَرَّ اللَّهُ حِفْظَهُ عَلَيْنَا

کسانی که به خداوند ایمان ندارند یا از او غافل هستند همه‌ی این بلاها را طبیعی و تصادفی می‌پندارند، ولی کسانی که به خداوند ایمان دارند و او را بسیار یاد می‌کنند می‌دانند که این بلاها کیفری از جانب خداوند برای گناهای است که این مردم در پیش گرفته‌اند؛ چراکه این مردم خداوند را فراموش کرده‌اند و به خلیفه‌اش پشت نموده‌اند و پیرو شریران گشته‌اند و چشم خود را بر ظلم، فساد و استبداد آنان بسته‌اند و ذلت و مسکنت را پذیرفته‌اند و در جهل، تقلید، تعصب و خرافات فرو رفته‌اند و به ندای منادی واقعی نمی‌نهند که ندا می‌دهد:

«هلا ای مردم! بیمناک باشید؛ چراکه شما بدون هدایتی از جانب خدا دین‌داری کرده‌اید و به راه‌هایی ناشناخته گام نهاده‌اید و در گیر و دار دگرگونی‌های زمان رنگ باخته‌اید و در کشاکش فتنه‌های جهان در هم شکسته‌اید و اکنون پیرو کسانی شده‌اید که خداوند پیروی آنان را از شما نخواست است؛ پس اولیائتان شما را از نور به تاریکی بیرون آورده‌اند و برایتان در دین چیزی را تشریع کرده‌اند که خداوند به آن اذن نداده...»^۱.

و ندا می‌دهد:

«آخرت را از یاد برده‌اید و در دریای پر تلاطم دنیا غرق شده‌اید. دغدغه‌های زندگی، شما را مشغول کرده و افسوس عصر جدید، شما را مسخ نموده است. دیگر به چیزی جز شکم‌هاتان نمی‌اندیشید و برای دین خود غصه نمی‌خورید؛ دینی که عقاید آن را نمی‌شناسید و از احکام آن آگاه نیستید. همنشینان جهل‌اید و همسایگان بی‌خبری! از بزرگانتان تقلید می‌کنید و عقل خود را به کار نمی‌اندازید! هر روز در پی کسی می‌روید و خود را با چیزی سرگرم می‌سازید! مسلمان هستید و نیستید و ایمان دارید و ندارید! دیگر مشتاق بهشت نیستید و از دوزخ نمی‌هراسید! آرزوهاتان دراز شده، در حالی که عمرهاتان کوتاه گردیده است! ایمان شما سست و تقواتان اندک شده است. اخلاق شما پست گردیده و گناهانتان فزونی گرفته است. دل‌هاتان سنگ و سینه‌هاتان تنگ شده است. راستی از زندگی‌هاتان رفته و دروغ به جای آن آمده است. محبت از میان شما برخاسته و نفرت به جای آن نشسته است. کوچک شما به بزرگتان احترام نمی‌گذارد و بزرگ شما با کوچکتان مهر نمی‌ورزد... پس اینک با آواز من هنگامی که فریاد می‌زنم بیدار شوید و با عصای من هنگامی که بر پهلوتان می‌نوازم به خود آیید؛

و گر نه این غفلت و ناآگاهی مانند آتشی سوزان که زبانه‌های ترسناکش غرش می‌کند و دود غلیظش، راه نفس را بر شما می‌بندد، زندگی‌تان را فرا می‌گیرد و روزتان را به شبی تاریک مبدل می‌سازد!«^۱

و ندا می‌دهد:

«هان ای مردم! آگاه باشید که عذاب خداوند به شما نزدیک شده است؛ من آوایش را می‌شنوم و بویش را استشمام می‌کنم و سایه‌اش را می‌بینم، ولی بیشتر شما غافلید! اگر سر نجات دارید، من را با شما نصیحتی است: از پروردگارتان آمرزش بخواهید و به سوی او توبه کنید و از کسی فرمان برید که او تطهیرش کرده و هدایتش نموده است، همان که وصفش را در صحف پیامبران می‌یابید و نامش را در کتب گذشتگان می‌خوانید، نه از کسی که عقلی اندک و ادعایی بسیار دارد و از هوای نفس پیروی می‌کند و بسیار مستبد و ستیزه‌جوست. آن‌گاه خواهید دید که زمین از عدالت پر می‌شود، چونان که از ظلم پر شده و عدالت از عسل شیرین‌تر و از کره نرم‌تر و از برف پاکیزه‌تر است. پس اگر اِبا کردید بدانید که حکومت‌تان شما را از خداوند نجات نخواهد داد و ارتش‌ها و سلاح‌هایتان شما را از او حفظ نخواهد کرد، همان‌گونه که حکومت گذشتگان آنان را از او نجات نداد و ارتش‌ها و سلاح‌هایشان آنان را از او حفظ نکرد، هنگامی که خشمش بر آنان افروخته شد و عذابش بر آنان فرود آمد!«^۲

و ندا می‌دهد:

«پس دعوت‌م را اجابت کنید و به سوی مهدی بازگردید، تا گناهانتان آمرزیده شود و کارهاتان سامان یابد، پیش از آنکه روزی بر شما برسد که بر عاد و ثمود و قوم نوح رسید»^۳.

آری، بلایایی که این روزها ایران را فرا گرفته، تحقق وعده‌ی منادی و طلیعه‌ی عذابی بزرگ‌تر است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند؛ چراکه از خداوند غافلند و مانند ملحدان، به اسباب غیر مادی باور ندارند و در سخن خداوند تدبّر نمی‌کنند که فرموده است: **﴿وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ﴾**^۴؛ «و ما هرگز نابود کننده‌ی سرزمین‌ها نیستیم مگر در حالی که اهل آن‌ها ستمکار هستند» و فرموده است: **﴿وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾**^۵؛

۱. نامه‌ی ۲۲

۲. نامه‌ی ۱۹

۳. نامه‌ی ۱۱

۴. القصص / ۵۹

۵. السجدة / ۲۱



«و هرآینه آنان را از عذاب کوچک‌تر پیش از عذاب بزرگ‌تر می‌چشانیم باشد که آنان بازگردند» و فرموده است: **﴿فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾**^۱؛ «پس چرا هنگامی که عذابمان آنان را آمد تضرع نکردند؟ بلکه دل‌هاشان سخت شد و شیطان کاری که می‌کردند را برایشان آراست». بر این اساس، وظیفه‌ی مسلمانان این است که از حال و روز آسیب‌دیدگان عبرت بگیرند و آن را از خود دور نپندارند و ضمن یاری رساندن به آنان که هنوز فرصت توبه و اصلاح دارند، خداوند را به یادشان بیاورند و ارتباطی که میان این بلاها و اعمال مردم است را برای آنان تبیین کنند، باشد که آنان پند بگیرند. بدون شک این کاری نیکو مبتنی بر نگرشی توحیدی و اسلامی است و با این وصف، کسانی که از آن باز می‌دارند و می‌کوشند که این بلاها را طبیعی و تصادفی نشان دهند تا از آن‌ها عبرتی گرفته نشود، شیاطینی در جامه‌ی انسان هستند. آنان کسانی هستند که اگر از آسمان سنگ بیارد نیز آن را به نحوی توجیه می‌کنند و می‌کوشند تا مانند ابلیس، جلوی ترس مردم از خداوند را بگیرند، در حالی که این بلاها برای ترساندن مردم از خداوند است، تا بدان از بدی خود دست بردارند و خوبان بر خوبی خود بیفزایند، پیش از آنکه عذابی بزرگ‌تر بر آنان نازل شود.^۲



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌های محترم خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



۱. الانعام/ ۴۳

۲. برای آگاهی بیشتر در این باره، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۳۱۵ و نقد و بررسی ۱۲۶.